The Quran and Science
Print ISSN: 2008-6016 Online ISSN: 2322-5165
Homepage: https://qve.journals.miu.ac.ir

The Sanctity of Family under threat by Sexual Liberalism: A Qur'anic Critique of the Shift in International Human Rights Discourse to Male-Female Relations Under the Concept of "Family"

Maryam Ahmadinejad [1]✉,

١. Maryam Ahmadinejad, Assistant Professor, Department of Family Law Studies, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran. EmailAddress: m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
٦ June ٢٠٢٦
Received in revised form:
١٥ September ٢٠٢٦
Accepted:
٥ December ٢٠٢٦
Available online:
٢٠ December ٢٠٢٦

Keywords:
Family,
Holy Quran,
Sexual Liberalism,
Illicit relationships,
International human rights

ABSTRACT

Objective: The present study aims to provide a Qur'an-centric critique of the emerging phenomenon of free cohabitation or non-marital intimate relationships between men and women within the realm of international human rights law. This research seeks to explore this predicament, which stems from the discourse of liberal Sexual ideology, by contrasting it with fundamental Islamic teachings, with a particular emphasis on Qur'anic concepts. In the contemporary era, the dominant discourse of international human rights law has witnessed the emergence and promotion of novel and, at times, unethical interpretations of concepts such as "private and family life" and "family structures".This shift in perspective is in clear conflict with normative systems based on the teachings of celestial religions, particularly Islam

Method: The methodology of this research is descriptive-analytical with a comparative approach, utilizing content analysis of international documents and practices, as well as authentic Qur'anic and exegetical sources.

Results: The research findings reveal that expansive interpretations of sexual freedom and the concept of "family life" in contemporary international human rights discourse have led to the gradual erosion of the normative foundations of the family. In contrast, Quran-centric teachings define the family exclusively within the framework of Islamic marriage between a man and a woman, regarding any relationship outside this framework as not only invalid but also a grave threat to public order, social morality, and generational well-being. This prohibition extends even to approaching its preliminaries.

Conclusions: A return to the Quranic model of the family is a strategic imperative for purifying the social environment of public indecency and countering identity crises and social collapse resulting from the disintegration of the sacred institution of the family. The international community and human rights institutions must also adopt ethical solutions to safeguard the psychological and legal security of society by supporting the traditional family. Furthermore, Islamic societies must revitalize and reinforce the legitimate rights of both parties within the institution of marriage—some of which have been neglected due to male-centric traditions—thereby restoring the emotionally and legally protective functions of the sacred family unit in practice.

Cite this article: Ahmadinejad,.Maryam,.(٢٠٢٦).The Sanctity of Family under threat by Sexual Liberalism: A Qur'anic Critique of the Shift in International Human Rights Discourse to Male-Female Relations Under the Concept of "Family": *The Quran and Science*, *20* (٣٩), ١–٢٠ https://doi.org https://orcid.org/٠٠٠٠-٠٠٠٢-٨٧٩٥-٦٨٤٣

© The author(s). **Publisher**: Al-Mustafa International University.
DOI: /https://doi.org https://orcid.org/٠٠٠٠-٠٠٠٢-٨٧٩٥-٦٨٤٣

قرآن و علم
شاپا چاپی: ۶۰۱۶-۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی: ۵۱۶۵-۲۳۲۲
Homepage: https://qve.journals.miu.ac.ir

قداست خانواده در محاق لیبرالیسم جنسیتی:
نقد قرآن‌محورِ تغییر نگرش گفتمان حقوق بین‌الملل بشر به روابط زن و مرد ذیل مفهوم «خانواده»

مریم احمدی نژاد ✉[۱]

۱. گروه مطالعات حقوق خانواده، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. رایانامه:m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۱۰/۲۰
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۱۲/۱۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۰۱/۰۲
تاریخ انتشار:
۱۴۰۵/۰۱/۰۹

کلیدواژه‌ها:
خانواده،
قرآن‌کریم،
لیبرالیسم جنسیتی،
روابط نامشروع ،
حقوق بین‌الملل بشر.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف نقد قرآن محور پدیده نوظهور همباشی آزاد یا روابط نامشروع خارج از ازدواج بین زن و مرد در عرصه حقوق بین‌الملل بشر صورت پذیرفته است. این پژوهش درصدد است تا این معضل را که ناشی از گفتمان لیبرالیسم جنسیتی است، در تقابل آموزه‌های بنیادین اسلامی، با تأکید ویژه بر مفاهیم قرآنی، مورد کاوش قرار دهد. در عصر حاضر، گفتمان مسلط حقوق بین‌الملل بشر، شاهد ظهور و ترویج تفسیرهایی نوظهور و بعضاً غیراخلاقی از مفاهیمی چون «زندگی خصوصی و خانوادگی» و «اشکال خانواده» بوده است. این تغییر نگرش، در تعارض آشکار با نظام‌های هنجاری مبتنی بر آموزه‌های ادیان آسمانی، به‌ویژه اسلام، می‌باشد.

روش: روش این پژوهش، توصیفی–تحلیلی با رویکرد تطبیقی و با تحلیل محتوای اسناد و رویه‌های بین‌المللی و منابع اصیل قرآنی و تفسیری است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق آشکار می‌سازد که تفسیرهای موسع از آزادی جنسی و مفهوم «زندگی خانوادگی» در گفتمان حقوق بین‌الملل بشر معاصر، به فروپاشی تدریجی بنیان‌های هنجاری خانواده انجامیده است. در مقابل، آموزه‌های قرآن‌محور، خانواده را منحصراً در چارچوب نکاح شرعی بین زن و مرد تعریف نموده و هرگونه رابطه خارج از این چارچوب را نه‌تنها فاقد اعتبار، بلکه تهدیدی جدی برای نظم عمومی، اخلاق اجتماعی و سلامت نسل‌ها قلمداد می‌کند. به‌طوری‌که حتی نزدیک شدن به مقدمات این امر را تحریم می‌نماید.

نتیجه‌گیری: بازگشت به الگوی قرآنی خانواده جهت سالم‌سازی محیط اجتماعی از رفتارهای خلاف عفت عمومی ضرورتی راهبردی برای مقابله با بحران‌های هویتی و فروپاشی اجتماعی ناشی از فروپاشی نهاد مقدس خانواده است. جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری نیز جهت تأمین امنیت روانی و حقوقی افراد جامعه ناگزیر هستند که راهکارهای اخلاقی را جهت حمایت از خانواده سنتی بکار گیرند. جوامع اسلامی نیز ضروری است جهت مقابله با اشکال غیرشرعی روابط زن و مرد، به احیا و تقویت حقوق مشروعه طرفین در نهاد ازدواج بپردازند که با بخشی از آن‌ها تحت تأثیر سنت‌های مردگرایانه مغفول مانده و کارکردهای امنیت بخش حقوقی و عاطفی نهاد مقدس خانواده را در عمل خدشه‌دار نموده است.

استناد: احمدی نژاد، مریم (۱۴۰۵).. قداست خانواده در محاق لیبرالیسم جنسیتی: نقد قرآن‌محورِ تغییر نگرش گفتمان حقوق بین‌الملل بشر به روابط زن و مرد ذیل مفهوم «خانواده» *قرآن و علم*، ۲۰ (۳۹)، ۲۰-۱.
https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۸۷۹۵-۶۸۴۳

ناشر: جامعة المصطفی (ص) العالمیة.

© نویسندگان.

مقدمه

متن پدیده‌ای موسوم به همباشی آزاد(*Cohabitation*)، به‌عنوان شکلی از زندگی مشترک خارج از چارچوب‌های رسمی و شرعی خانواده، طی دهه‌های اخیر به نمادی بارز از تحولات فرهنگیِ جوامع سکولار غربی تبدیل‌شده است. این الگوی زیست که ابتدا تحت شعار «آزادی گرایش‌های جنسی» ترویج شد، اکنون با پشتوانه نظریات مبتنی بر لیبرالیسم جنسیتی، نهاد سنتی خانواده را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته است. این چالش‌ها صرفاً محدود به عرصه اخلاق فردی نبوده، بلکه در سطوح حقوقی، سیاست‌گذاری عمومی و حتی امنیت فرهنگی جوامع، آثار عمیقی برجای می‌گذارد. لیبرالیسم جنسیتی با محوریت فردگرایی افراطی و نسبیت‌گرایی اخلاقی، به‌تدریج هنجارهای بنیادین نهاد خانواده را دچار فرسایش نموده است. در گفتمان حاکم بر حقوق بین‌الملل بشر معاصر، تفسیرهای موسعی از مفهوم زندگی خانوادگی *(Family Life)* ارائه می‌شود که روابط خارج از چارچوب ازدواج رسمی را در دایره شمول این مفاهیم قرار می‌دهد. رویه‌های نهادهایی مانند دیوان اروپایی حقوق بشر *(ECtHR)* گواه این تحول مفهومی است، به‌گونه‌ای که صرف وجود رابطه عاطفی پایدار و واقعی (بدون درنظرگرفتن مشروعیت شرعی یا قانونی آن) را برای شناسایی «خانواده» کافی می‌پندارد. این رویکرد نه‌تنها ازدواج را به یک قرارداد مدنی صرف فروکاسته، بلکه با به حاشیه راندن کارکردهای اخلاقی، تربیتی و نسلی خانواده، به‌تدریج جایگاه هنجارمند این نهاد را در ساختار اجتماعی تضعیف نموده است. در مقابل این گفتمان، قرآن کریم با صراحت و قاطعیت، خانواده را منحصراً در چارچوب «نکاح شرعی» بین زن و مرد تعریف نموده[1] و قداست آن را بر پایه اصول فطری و وحیانی استوار می‌سازد.

هدف اصلی این پژوهش، ارائه نقدی قرآن‌محور بر روند غالب در عرصه حقوق بین‌الملل بشر، در راستای به رسمیت‌شناسی روابط نامشروع خارج از ازدواج بین زن و مرد است. این پژوهش درصدد است تا با واکاوی تقابل گفتمان لیبرالیسم جنسیتی با آموزه‌های بنیادین اسلامی، به تحلیل پیامدهای این رویداد بر قداست نهاد خانواده بپردازد.

در راستای دستیابی به هدف فوق، این پژوهش در پی پاسخگویی به این مسائل است که، گفتمان لیبرالیسم جنسیتی چه تأثیری بر ولنگاری اخلاقی، و تغییر نگرش حقوقی بر روابط بین زن و مرد و پذیرش حقوقیِ روابط خارج از چارچوب ازدواج در اسناد و رویه‌های قضایی بین‌المللی داشته است؟ و این تغییر نگرش چه تأثیراتی بر قداست مفهوم خانواده و کارکردهای سنتی و تاریخی و دینی خانواده گذاشته است؟ و نقد قرآن‌محور بر پذیرش حقوقی روابط نامشروع بین زن و مرد در گفتمان کنونی حقوق بشر بین‌المللی چیست؟ روش این پژوهش، توصیفی–تحلیلی با رویکردی تطبیقی است که از طریق تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی مرتبط، در تقابل با مفاهیم محوری قرآن کریم در باب قداست نهاد خانواده و حرمت مطلق زنا، به واکاوی مسئله می‌پردازد. پیامدهای عملی این تحول را می‌توان در آمارهای نگران‌کنندهٔ افزایش فرزندان خارج از ازدواج، کاهش نرخ تشکیل خانواده قانونی و گسترش پدیده‌هایی مانند همباشی‌های غیررسمی در جوامع غربی مشاهده نمود.

۱-۲. پیشینه

بررسی پیشینه پژوهشی موجود در حوزه پژوهش حاضر، حاکی از آن است که کانون توجه اغلب محققان، معطوف به ابعاد فقهی و حقوق کیفری این مسئله بوده است. به‌عنوان نمونه، مهدویان‌پور (۱۴۰۴) در مقاله «تحلیل جرم‌انگاری روابط نامشروع در شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر قاعده تسبیب»، به تحلیل این روابط در فضای مجازی پرداخته است. همچنین، صدیقی، رستمی نجف‌آبادی و ابراهیمیان (۱۳۹۹) در مقاله «مصادیق جدید روابط نامشروع غیر از زنا و مجازات آن در فقه اسلامی و حقوق ایران و افغانستان»، مصادیق جدید و مجازات‌های مربوطه را واکاوی نموده‌اند. رضایی(۱۳۹۷) در مقاله «بررسی مفهوم روابط نامشروع و محدوده آن در قانون مجازات اسلامی» به تبیین مفهوم و محدوده این روابط همت گمارده و توجهی و توکل‌پور(۱۳۹۰) در مقاله «وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات» به وجوه تمایز این دو مقوله پرداخته‌اند. اگرچه این پژوهش‌ها از غنای

[1] تفاسیر معتبر شیعی بر این نکته تأکیددارند که حرمت زنا مطلق بوده و شامل تمام اشکال روابط جنسی خارج از عقد دائم یا موقت شرعی می‌گردد.

علمی قابل‌توجهی در حوزه خود برخوردارند، اما تفاوت بنیادین پژوهش حاضر با آنها، در خروج از چارچوب صرفاً فقهی-کیفری و ابتنای آن بر مبانی حقوق بشر بین‌المللی، همراه با نقدی قرآن‌محور بر این گفتمان است.در این زمینه، باقری (۱۴۰۴) در مقاله «بازدارندگی مجازات اعدام برای زنا از دیدگاه حقوق بشر و اسلام»، مستقیماً به تقابل این دو منظومه فکری پرداخته است. اما این مقاله دچار خطای محاسباتی بنیادین شده؛ چرا که نویسنده محترم، بدون توجه به این واقعیت تحول یافته که بسیاری از اشکال روابط نامشروع از منظر اسلام، در گفتمان مسلط حقوق بشر بین‌الملل نه تنها جرم انگاری نمی‌شوند، بلکه از حمایت قانونی برخوردار گشته‌اند، صرفاً به مقایسه کارآمدی مجازات‌ها پرداخته است. این غفلت اساسی، باعث شده تا یافته‌های این پژوهش از اتقان علمی لازم برخوردار نباشد. همچنین، صابرنژاد و حسین پور (۱۳۹۹) در مقاله «چالش‌های فراروی قانون حمایت از خانواده در رویکرد نظام بین‌المللی حقوق بشر»، بر لزوم انطباق قوانین داخلی با موازین بین‌المللی تأکید دارند، اما بدون در نظر گرفتن تفاوت مبنایی در تعریف «خانواده» در دو نظام حقوقی، به تبیین موضوع پرداخته‌اند. این نگاه، موجب گردیده تا نتایج ارائه‌شده فاقد کاربرد عملی منطبق با فرهنگ و ارزش‌های اعتقادی جامعه ایران باشد. براین اساس جهت پر کردن خلا موجود و در راستای تبیین مواضع ایرانی اسلامی در قبال الزامات بین‌المللی حقوق بشر، نوآوری و ضرورت نگارش این مقاله در ارائه رویه قضایی بین المللی و نقد وحیانی و قرآن‌محور بر عملکرد حقوق بین‌الملل بشر است. این پژوهش با عبور از مباحث صرفاً جرم‌شناختی، به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه آموزه‌های لیبرالیستی در حوزه جنسیت، قداست نهاد خانواده را در محاق قرار داده و گفتمان حقوق بشر را به سمتی سوق میدهد که در تعارض آشکار با دیدگاه قرآن‌محور درباره نظام روابط زن و مرد قرار می‌گیرد. بنابراین، نوآوری مقاله حاضر هم در «موضوع» و هم در «رویکرد» آن متجلی است.

۲.مفهوم شناسی

۲-۱. خانواده: در مفهوم تاریخیِ موردپذیرش مکاتب فکریِ برخاسته از ادیان و سنت‌های بشری، همواره به‌عنوان نهاد بنیادین جامعه شناسایی‌شده است که نقطه آغازین آن، ازدواج بین یک زن و یک مرد است و دامنه آن، روابط خویشاوندی ناشی از این پیوند را در برمی‌گیرد. بااین‌حال، در برخی جوامع معاصر، تحت تأثیر سکولاریزاسیون، این تعریف اصیل دستخوش تحول و استحاله گشته و حتی به اشکالی از روابط گسترش‌یافته که با تعریف سنتی و دینی خانواده ناسازگار بوده و حتی در تعارض است[1]

۲-۲. لیبرالیسم جنسیتی: به‌مثابه انگاره‌ای فکری و جریان حقوقی برآمده از گفتمان غرب، مبانی خود را بر اصول فردگرایی افراطی، و نسبی‌گرایی اخلاقی استوار ساخته است. از منظر نگارنده، غایت نهایی این جریان، بازتعریف مفاهیم بنیادین مرتبط با جنسیت، نهاد خانواده و روابط جنسی، صرفاً بر اساس امیال و ترجیحات شخصی افراد و فارغ از هرگونه چارچوب هنجاری ثابت است. در عرصه حقوقی، این رویکرد در قالب یک ایدئولوژی ظاهر می‌شود که با توسل به شعارهایی چون آزادی فردی و برابری صوری، در پی دگرگونی ساختاری نهاد خانواده برخاسته از فطرت و شریعت است و بر رسمیت‌بخشی به انواع روابط جنسی فراتر از چارچوب‌های سنتی و دینی و حتی طبیعی، اصرار می‌ورزد.

۲-۳. فروپاشی خانواده به زوال تدریجی ساختارها، کارکردها و ارزش‌های نهاد خانواده اشاره دارد که در قالب افزایش طلاق، کاهش نرخ ازدواج، گسترش روابط فرازناشویی و تضعیف نقش‌های سنتی والدین تجلی می‌یابد.

۳.یافته‌ها

[1] . برای مطالعه بیشتر ر.ک: احمدی‌نژاد, مریم و ابراهیمی‌ورکیانی, فاطمه. (۱٤۰۲). مصادیق «خانواده» در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر با ارائهٔ تحلیل اسلامی. مطالعات حقوق تطبیقی, ۱٤(۱), ۵۵-۸٤.

۳-۱. تأثیر لیبرالیسم جنسیتی بر نهاد خانواده و پذیرش روابط خارج از ازدواج بین زن و مرد در رویه مراجع حقوق بشری

از منظر تاریخی، نهاد خانواده در تمدن غربی بر آموزه‌های دین مسیحیت و قوانین کلیسایی استوار بود. این انگاره که در نظام‌های حقوق رومی-ژرمنی نیز تبلور یافت، کلیه روابط خارج از ازدواج رسمی میان زن و مرد را فاقد مشروعیت می‌دانست. در الهیات مسیحی، ازدواج «پیوندی مقدس» تلقی می‌گردید که شالوده نهاد خانواده را تشکیل می‌داد. این دیدگاه متأثر از متون عهد جدید، به‌ویژه باب ۵ رساله افسسیان، تقویت می‌شد. از دهه ۱۹۶۰ میلادی، تحولات فرهنگی و اجتماعی در کشورهای مبتنی بر اندیشه سکولار، متأثر از نظریات لیبرالی نوظهور نگرش به ازدواج و خانواده سنتی را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخت. نظریه‌های جدید با محوریت «آزادی مطلق گرایش‌های جنسی» در تقابل با الگوی کلاسیک خانواده – که بر پایه اتحاد شرعی و قانونی زن و مرد استوار بود – شکل گرفتند. به‌تدریج، مفاهیمی همچون همباشی غیررسمی *(Cohabitation)* و روابط عاطفی فاقد پایه شرعی و قانونی، به‌عنوان الگوهای پذیرفته‌شده معرفی شد. در این چارچوب با عنایت به خاستگاه فکری سکولارِ حاکم بر مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی در حوزه حقوق بشر که متأثر از فرهنگ لیبرال غربی است، مفهوم «خانواده» در رویه قضایی و تفسیری این نهادها توسعه‌یافته و دامنه شمول آن به روابط غیررسمی میان زنان و مردان مجرد و حتی به گرایش‌های غیر طبیعی هم‌جنس‌گرایانه تسری یافت. این دگردیسی، که به‌وضوح در رویه مراجع حقوق بشری در خصوص پذیرش روابط خارج از ازدواج مشاهده می‌شود، نمایانگر تغییر پارادایم در نگرش حقوقی غرب به نهاد خانواده و در واقع، فروکاست این مفهوم از جایگاه تاریخی و مقدس خویش است.

به‌عنوان نمونه کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره۱۹ خود تصریح نمود که مفهوم خانواده در برخی جنبه‌ها ممکن است از یک کشور به کشور دیگر و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر داخل یک کشور متفاوت باشد، و بنابراین امکان تعیین تعریفی استاندارد برای این مفهوم وجود ندارد. در ادامه کمیته تأکید کرد: هنگامی‌که گروهی از افراد در قوانین یک کشور به‌عنوان خانواده شناخته شوند، باید از حمایت‌های مندرج در ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار گردد. درنتیجه، کشورهای طرف میثاق را ملزم می‌کند تعریف و دامنه خانواده را در جامعه و نظام حقوقی خود مشخص کنند. و در ادامه این تفسیر، کمیته زن و مرد مجرد را نیز به‌عنوان یکی از مفاهیم خانواده به رسمیت شناخت.*(UNHRC, 1990, para.2)*

بر اساس رویه کمیته منع تبعیض علیه زنان، این نهاد نظارتی روابط خارج از ازدواج شناسایی نموده و آن را در چارچوب حمایت‌های حقوقی کنوانسیون قرار داده است. (*CEDAW,2013,para.16*) همچنین کمیته در توصیه عمومی شماره ۲۹ خود، بر ضرورت حمایت از حقوق زنان در این پیوندها تأکید ورزیده است. به‌ویژه در مواردی که روابط خارج از ازدواج ناظر بر پیوند میان دختران نوجوان و مردان مسن‌تر باشد، آن را به‌منزله یک آسیب‌پذیری جدی حقوق بشری ارزیابی نموده و تحت عنوان «اتحادیه‌های واقعی» (*De Facto Unions*) به رسمیت شناخته است. (*CEDAW,2023,para.26*) از نگرانی‌های کمیته مشخص است که این روابط برای زنان مشکلاتی ازجمله مشکلات اقتصادی را به همراه دارد. کمیته در توصیه عمومی شماره ۲۹ خود بر لزوم حمایت از حقوق اقتصادی زنان در چنین روابطی تأکید داشته و تصریح می‌کند که این همباشی‌ها عمدتاً بدون ثبت رسمی انجام می‌شود، لذا منجر به ایجاد هیچ حقی نمی‌شود. برخی کشورها حمایت‌های حقوقی اندکی را برای این افراد ارائه می‌دهند به‌عنوان نمونه در مواقع خاص، مانند فوت یکی از شرکا یا انحلال رابطه، زنان ممکن است در معرض خطرات اقتصادی پس از پایان رابطه قرار گیرند، ازجمله در شرایطی که آنان در تأمین هزینه‌های معیشت و همچنین در ایجاد یا افزایش دارایی‌های دیگری نقش داشته‌اند(*CEDAW,2013:para.23,30*)

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز دراین‌خصوص پرونده‌های متعددی را بررسی کرده و نسبت به سایر مراجع قضایی بین‌المللی بیشترین ورود را به این مباحث داشته است. دیوان همواره بر سکولاریسم به‌عنوان اصلی کلیدی تأکید داشته و آن را ضامن بی‌طرفی در برابر همه باورهای مذهبی، و لازمه نظام دموکراتیک و حقوق بشر معرفی کرده است. آراء دیوان تأکیددارند که سکولاریسم

باارزش‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سازگار است و به‌صراحت حمایت از آن را اعلام می‌کنند. دیوان در عملکرد خویش افزون بر بی‌طرفی دینی، اصل دین‌زدایی از قواعد اجتماعی و طرد معیارهای دینی در تفسیر مفاهیم اساسی چون خانواده را مورد تأکید قرار داده است؛ بنابراین، سکولاریسم به معنای جدایی دین از تفسیر و اعمال قواعد اجتماعی و حقوقی، از اصول و ارزش‌های زیر بنایی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود.[۱] رویه قضائی دیوان، تصریح می‌کند که کنوانسیون ابزاری زنده است که باید در پرتو شرایط روز و با عنایت به تحولات جامعه تفسیر شود. *(Ukraine v. Russia (re Crimea), 2024, para. 1336)* در این چارچوب، دیوان در تحلیل قضایی خویش، تعیین مصادیق خانواده را به تحولات روز جامعه واگذار کرده و ازدواج قانونی و سنتی را تنها راه تشکیل زندگی خانوادگی نمی‌پندارد *(Beizaras and Levickas v. Lithuania,* ۲۰۲۰, para. ۱۲۲) و رابطه خانوادگی را به روابط بین شرکای مجرد تسری می‌دهد. *(Affaire Chavdarov c. Bulgarie, 2010, para. 40)* درواقع، دیوان اروپایی حقوق بشر هیچ تفاوتی بین خانواده «مشروع» و «نامشروع» قائل نیست.*(Marckx v. Belgium, 1979,para. 31; Şerife Yiğit v. Turkey,2009, para.25)* دراین‌راستا، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌های متعددی به این امر اذعان نموده که مفهوم زندگی خانوادگی، به روابط مبتنی بر ازدواج محدود نمی‌شود و ممکن است شامل روابطی باشد که در آن زن و مرد خارج از چارچوب ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند. *(Fedotova and Others v. Russia, 2023, para.140; Novruk and Others v. Russia,* ۲۰۱۶, para.۸۵)

باوجوداینکه دیوان می‌پذیرد که حمایت از خانواده به معنای سنتی، در اصل، دلیلی موجه و مشروع است که می‌تواند تفاوت در رفتار بر اساس گرایش جنسی را توجیه کند*(Dániel Karsai v. Hungary, 2023,para. 142)*، اشکال نامشروع و غیرطبیعی روابط جنسی را نیز در چارچوب مفهوم خانواده گنجانده است. در عین‌حال، این پذیرش مشروط به احراز عناصر و عوامل خاصی است که دیوان برای تشخیص «زندگی خانوادگی» ضروری می‌داند. در مقابل علیرغم تأکید دیوان بر لزوم رفتار برابر میان خانواده‌های قانونیِ سنتی و اشکال نوظهور مورد پذیرش، خانواده سنتی که مبتنی بر ازدواج رسمی بین زن و مرد است، را صرف وقوعِ قانونی، بدون نیاز به احراز وجود عناصر اضافی، شامل همه حمایت‌های قانونی و مزایای خانواده می‌داند.[۲] عملکرد دیوان نشان می‌دهد که تلاش‌های مبتنی بر لیبرالیسم جنسیتی که مفهوم خانواده را بر اساس دیدگاهی سکولار بازتعریف نمود، علیرغم نقش مؤثری که در متلاشی کردن خانواده به معنای حقیقی آن داشته، همچنان نتوانسته ارزش تاریخی و جایگاه ریشه‌دار خانواده سنتی را در نظام حقوقی اروپا محو کند؛ اگرچه دیوان با توسل به تفسیرهای موسع از مفاهیمی مانند «برابری» و «تکثرگرایی»، اشکال نوظهور و غیراخلاقی روابط جنسی را به رسمیت شناخت، در عمل همچنان رگه‌های برتری خانواده سنتی که مبتنی بر ازدواج قانونی بین زن و مرد است، به‌صورت عینی و حقوقی قابل‌ملاحظه است.

۳-۲ .مبانی قرآنی خانواده و تحریم روابط خارج از ازدواج بین زن و مرد

از منظر حقوق اسلام، نهاد خانواده بنیان اصلی جامعه اسلامی بوده و با مفهوم ازدواج و تعهد متقابل بین زوجین درآمیخته است. ازدواج قراردادی حقوقی، عاطفی و معنوی است که به لحاظ کارکردهایی که برای تقویت و اعتلای جامعه دارد، حائز اهمیت ویژه است. از این منظر حمایت از بنیان خانواده فریضه‌ای برای آحاد جامعه، خصوصاً کار ویژه‌ای مهم برای حکمرانی اسلامی محسوب می‌گردد.

۳-۲-۱. نهاد خانواده به‌مثابه ساختاری الهی و اخلاق‌محور

سنگ‌بنای ثبات و پیشرفت هر تمدنی خانواده است. آموزه‌های اسلامی، با تأکیدی ویژه، خانواده را نه صرفاً پیمانی اجتماعی، بلکه «ساختاری الهی» و مبتنی بر فطرت انسانی می‌دانند که هدفی فراتر از ارضای غرایز را دنبال می‌کند. قرآن کریم در آیه ۲۱

---

[۱]. دیوان در رویه خود بارها نسبت به این امر تصریح نموده است. برای مطالعه بیشتر ر. ک.:(احمدی‌نژاد و امین‌الرعایا، ۱۳۹۹،ص ٤١٧- ٤١٨)

[۲] . برای مطالعه بیشتر ر.ک.: (احمدی‌نژاد و ابراهیمی ورکیانی، ١٤٠٢، ص٥٥-٨٤)

سوره روم، به‌صراحت غایت تشکیل این نهاد را دستیابی به «سَکینَه» و استقرار «مودّت و رحمت[۱]» برمی‌شمارد:«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً». بر این اساس، شالوده روابط خانوادگی در گفتمان قرآنی، بر مفاهیمی همچون آرامش، محبت دوجانبه و رحمت متقابل استوار گشته است که تحقق آن‌ها مستلزم تعهد و مسئولیت‌پذیری طرفین است.

قرآن کریم خلقت انسان و تشکیل خانواده را در پیوندی ناگسستنی قرار می‌دهد. آیه نخست سوره نساء۲ دراین راستا، علاوه بر تأکید بر وحدت سرشتی انسان‌ها، تداوم نسل و گسترش جامعه انسانی را در چارچوب خانواده و از طریق پیوند زن و مرد ترسیم می‌کند.(مغنیه،۱۴۲۵ق، ص ۹۷) این دیدگاه، خانواده را رابطه‌ای بدون تعهد نمی‌داند، بلکه آن را جزئی از طرح حکیمانه الهی برای دستیابی به آرامش، رشد اخلاقی و تداوم حیات اجتماعی بشر قلمداد می‌کند. قداست این نهاد در قرآن تا بدانجاست که از پیمان زناشویی با اصطلاح «میثاق غلیظ» یادشده است. در آیه ۲۱ سوره نساء می‌فرماید:«وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا» چگونه آن (مهریه) را بازمی‌گیرید۳، درحالی‌که چنان ارتباط نزدیکی داشتید که هر یک از شما، بخشِ مکمّل وجود دیگری بودید و آنان از شما میثاق غلیظی۴ گرفته‌اند؛ که همان عهد وثیق و محکمِ ازدواج میان زوجین است و لازم است عمل زوج به‌مقتضای همان عهد وثیقی باشد که در هنگام عقد بر عهده او گذاشته‌شده است؛ که نگاه‌داشتنِ (همسر) به شایستگی، یا رها کردنش به نیکویی است. ۵(فیض کاشانی، ۱۴۱۸ ق/۱، ص۲۰۱؛ مغنیه،۱۴۲۵، ص۱۰۲) علاوه بر تأکیدات قرانی، احادیث بسیاری۶نیز بر اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده تصریح دارند. این در حالی است که در دهه‌های اخیر، تحولات حقوقی غرب با تأکید بر «آزادی مطلق گرایش‌های جنسی» و به حاشیه راندن قداست نهاد خانواده، مصادیق نوظهوری را ارائه کرده‌اند که در پی تضعیف و تهاجم به اصول اخلاقی، دینی و حتی زیست‌شناختی خانواده است.

۳-۲-۲. تحریم روابط جنسی خارج از نکاح بین زن و مرد در اسلام

در تحلیل پیامدهای تحولات حقوقی غرب مبتنی بر لیبرالیسم جنسیتی بر نهاد خانواده، مراجعه به مبانی اسلامی به‌عنوان نظامی جامع، ضرورتی انکارناپذیر است. از منظر فقه اسلامی و بر اساس نص صریح قرآن کریم، زنا (روابط جنسی خارج از چارچوب شرعی) در زمره گناهان کبیره و جرائم سنگین اجتماعی قرار دارد. قرآن کریم این عمل را در کنار شرک به خداوند، قتل نفس محترمه و سرقت[۷]قرار داده و بر حرمت شدید آن تأکید ورزیده است. این هم‌ترازی نشان‌دهنده عمق فساد و خطری است که این عمل برای بنیان جامعه به همراه دارد.

مستند به روایات، پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) هشدار داده‌اند که ارتکاب زنا، ایمان را از فرد زناکار جدا می‌سازد، همان‌گونه که لباس از تن بیرون آورده می‌شود.(قرشی بنابی،۷/۱۳۷۵، ص۱۸۱) افزون بر این، ایشان بابیانی جامع، آثار مخرب این گناه را در ابعاد مادی و معنوی تبیین فرموده‌اند. بر اساس مستندات معتبر روایی، مهم‌ترین تبعات این جرم به شرح ذیل است: مرگ زودرس و قطع

---

[۱] . رحمت مهربانی و رقّتی است که مقتضی احسان است.(قرشی بنابی،۳/۱۳۷۱، ص۶۹)

[۲] . «يَاأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...»

[۳] . استفهام در این جمله به‌منظور شگفت‌انگیزی است(طباطبایی،٤/١٣٧٤، ص۲۰۸)

[٤] .مراد از میثاق‌غلیظ عهدی است که در هنگام عقد از مرد برای زن گرفته می‌شود که او را به‌طور شایسته نگه‌دارد، وگرنه به شایستگی طلاق دهد.(طباطبایی،٤/١٣٧٤، ص ۲۰۸)

[٥]إمساک بمعروف أو تسریح بإحسان

[٦] . «رکعتان یصلیهما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلیهما الأعزب»، «من تزوج أحرز نصف دینه»، «رذّال موتاکم العزاب»(مدرسی،١٤١٩ق/٨، ص٣٠٦-٣٠٧)

[۷] .« ...اذجاءک المؤمنات یبایعنک علی ان لایشرکن باللّه ولایسرقن ولایزنین...» ممتحنه، ۱۲.

روزی و همچنین ویرانی و بی‌برکتی خانه‌ها؛ در ساحت اخروی نیز، این گناه کبیره سبب غضب الهی و دوام در جهنّم خواهد بود.((قرائتی،۱۳۸۸/۶، ص ۱۴۳؛ طبرسی، ۱۴۱۳ ق/۲، ص۲۱۹) آثار مخرب زنا منحصربه‌فرد مرتکب نبوده و دامن‌گیر جامعه، به‌ویژه نهاد مقدس خانواده می‌گردد. امام رضا (علیه‌السلام) با تبیینی روشن‌گر، مصادیق بارز این فروپاشی اجتماعی را برشمرده‌اند: ارتکاب قتل به‌واسطه سقط‌جنین، بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی، ترک تربیت فرزندان، از بین رفتن موازین ارث. (قرائتی،۱۳۸۸/۶، ص۱۴۳) در این راستا، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)[1]پرهیز از زنا را عامل اصلی استحکام خانواده و تداوم سلامت آن دانسته‌اند(قرائتی،۱۳۸۸/۶، ص۱۴۳).

۳-۲-۳. مواضع صریح قرآن کریم در تقبیح روابط نامشروع

نظام تشریعی قرآن‌کریم در خصوص روابط جنسی نامشروع، رویکردی منسجم و چندبُعدی اتخاذ نموده که فراتر از بیانِ صِرف احکام کیفری، به تبیین فلسفه اخلاقی، پیامدهای اجتماعی و راهکارهای صیانت از نهاد خانواده پرداخته و درآیات متعددی از سُوَر مختلف، حرمت این عمل و پیامدهای ویرانگر آن را تشریح نموده است.

قرآن کریم بابیانی قاطع و هشداردهنده، زنا را در زمره منکرات بزرگ قرار داده، می‌فرماید:«وَلَاتَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» این آیه بر حرمت زنا و لزوم اجتناب از نزدیک شدن به مقدمات آن تأکید دارد. مبتنی بر تفاسیر معتبر آیه مذکور، زنا گناهی است که درنهایت و منتهی قبح است و در جامعه‌ای شیوع پیدا نمی‌کند مگر اینکه آن جامعه را به سمت انحلال و فساد می‌کشاند. (مغنیه،۱۴۲۵ق، ص۳۶۸) نکته حائز اهمیت اینکه، آیه موردبحث نمی‌فرماید زنا نکنید، بلکه تصریح می‌نماید که به این عمل شرم‌آور نزدیک هم نشوید، این تعبیر علاوه بر تأکیدی که در عمق آن نسبت به خود این عمل نهفته است، اشاره لطیفی دارد که آلودگی به زنا غالباً مقدماتی دارد که انسان را تدریجاً به آن نزدیک می‌کند، نگاه‌های آلوده یکی از مقدمات آن است؛ نیمه برهنگی و عدم رعایت شئون و ضوابط پوششی مقدمه دیگر، کتاب‌های بدآموز و فیلم‌های آلوده و نشریات فاسد و خلوت با نامحرم، بالأخره ترک ازدواج برای جوانان، و سختگیری‌های بی‌دلیل طرفین در این زمینه، همه از عوامل قرب به زنا است(مکارم شیرازی،۱۲/۱۳۷۱، ص۱۰۲-۱۰۳) بر این اساس در تعالیم قرآن، زمینه‌های روابط نامشروع، همچون پوشش نامناسب، و رفت‌وآمدهای غیرضروری بین زن و مرد نامحرم با عبارت «ولاتقربوا» منع شده است.

آیه ۶۸ و ۶۹ سوره فرقان نیز در این مورد حائز اهمیت است:«وَالَّذِينَ لَايَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَايَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّابِالْحَقِّ وَلَايَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»«يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَالْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا». این آیات به عذاب مضاعف در قیامت و خواری ابدی برای زناکاران تصریح دارند. در این سخن دلالتی است بر اینکه بزرگ‌ترین گناهان بعد از شرک، قتل و زنا است(طبرسی، ۱۴۱۳ق/۲، ص۴۴۱) و خداوند بین شرک و قتل النفس المحرمۀ و زنا تساوی برقرار کرده،(مغنیه،۱۴۲۵ق، ص۴۷۸) با توجه به قبح شدید این سه گناه، آیۀ بعدی نیز بر حرمت آن تأکید می‌ورزد:« کسانی که مرتکب این امور شوند عذاب آن‌ها در قیامت مضاعف می‌گردد، و با خواری، جاودانه در عذاب خواهد ماند».(مکارم شیرازی،۱۵/۱۳۷۱،ص۱۵۸)

به اعتقاد مفسران، هرگاه فردی در پی روابط نامشروع صاحب فرزندانی شود، گویی آن فرزندان را به قتل رسانده است؛ علت این تشبیه آن است که فقدان کانون خانوادگی متعهد برای حضانت و تربیت و مشکلات ناشی از این وضعیت، زمینه را برای محو فضایل اخلاقی و استعدادهای والا در وجود فرزندان طبیعی فراهم می‌کند و این امر، مصداق بارز «قتل معنوی» است. هنگامی‌که مردی از امام رضا (ع) پرسید: «ای پسر پیامبر خدا! کدام‌یک شدیدتر است: قتل یا زنا؟ حضرت پاسخ دادند: زنا از قتل شدیدتر است. مرد پرسید: ای پسر پیامبر خدا! به چه دلیل؟ امام (ع) فرمودند: «زیرا فردی که از طریق زنا متولد شود، خود صاحب فرزندانی خواهد شد. بسیار محتمل است که اینان نسلی منحرف باشند، حال‌آنکه اگر فردی جان دیگری را بگیرد، تنها یک نفر را از میان برده است. اما زناکار نسل‌ها را نابود ساخته است. (مدرسی، ۱۴۱۹ق/۸،ص۴۸۴)

[1] . حکمت ۲۵۲نهج‌البلاغه.

در سوره مبارکه مؤمنون پاک‌دامنی و پرهیز از روابط نامشروع چهارمین ویژگی مؤمنان است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلَّا عَلى أَزْواجِهِمْ أَوْمامَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ» این مضمون درآیات ۲۹ و ۳۰ سوره معارج نیز تکرار شده است. مراد از ملک یمین، کنیزان هستند که امروز اثری از آن‌ها وجود ندارد. علی‌الاصول زنا در هیچ جامعه‌ای شیوع پیدا نکرد، جز این‌که سرانجام، آن را متلاشی ساخت.(مغنیه، ۵/۱۳۷۸، ص۵۸۳) ازآنجاکه غریزه جنسی سرکش‌ترین غرایز انسان است و خویشتن‌داری در برابر آن نیاز به تقوی فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد، در آیه بعد بار دیگر روی همین مسئله تأکید شده و می‌فرماید: «فَمَنِ ابْتَغى وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ» هر کس غیر این طریق را طلب کند تجاوزگر است.(مکارم شیرازی، ۱۴/۱۳۷۱،ص۱۹۸)

نکته حائز اهمیت اینکه اسلام در مکه حکومتی نداشت و فاقد اقتدار اجرایی بود؛ لذا مجازات‌های قانونی برای این جرم نهی‌شده را تنها زمانی تشریع کرد که در مدینه پایه‌های حکومت و حاکمیتش استوار گردید.(قطب، ۱۳۷۸،ص۶۰۱) بااین‌وجود که نهاد خانواده عملاً با ازدواج شکل می‌گیرد، قرآن در سوره نور بحث را نه با ازدواج، که با ذکر مجازات زنا آغاز می‌کند. علت آن است که بدون قانونی که خانواده را از انحراف مصون بدارد، سایر قواعد مربوطه اعتبار خود را از دست می‌دهند. چه سود از دژی(حصن خانواده) که دیواری استوار آن را پاسداری نکند؟ تحقق حقیقی و همه‌جانبه نهاد خانواده، هنگامی محقق می‌شود که با اعمال مجازات بر متجاوزان، به آن مصونیت اعطا گردد.(مدرسی،۱۴۱۹ق/۸،ص۲۵۵) براین‌اساس، صدر آیه ۲ این سوره«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ» مجازات حدی این گناه کبیره را تعیین نمود. در تفسیر آیه مذکور این‌چنین ذکرشده است: مجازات زنا خانواده را مصون می‌دارد اگر زنا در جامعه شیوع یابد، خانواده‌هایی نابود خواهند شد، کودکان بی‌گناهی سرگردان می‌مانند یا با عقده‌ها و کشمکش‌های روانیِ انباشته‌ای پرورش می‌یابند که زمینه را برای جرائم هولناک فراهم می‌سازد. درواقع، سهل‌انگاری در اجرای مجازات، کل جامعه را در معرض فساد قرار می‌دهد. ازاین‌رو، قرآن با این عبارات «وَلَاتَأْخُذْكُمْ بِهِمَارَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» ما را از ترحم بر زناکاران نهی می‌کند؛ چراکه سخت‌گیری هم موجب اصلاح آنان می‌شود و هم دیگران را از ارتکاب این جرم بازمی‌دارد و شاید همین امر سبب تأکید قرآن بر این حکم در کلام الهی شده است:«إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»(مدرسی،۱۴۱۹ق/۸،ص۲۵۶-۲۵۷)

آیه بعدی «الزَّانِي لَايَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَايَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ» با تصریح به محدودیت ازدواج زناکاران با مؤمنان، مقرر می‌دارد که زناکار تنها با همتای خود (زن یا مرد زناکار) یا مشرک می‌تواند ازدواج کند و با این تصریح که:«وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» حرمت چنین ازدواجی را برای مؤمنان بیان می‌کند. در اینکه این آیه بیان یک حکم الهی است، یا خبر میان مفسران اتفاق‌نظر وجود ندارد. علامه طباطبایی با تأکید بر این نکته که مفسرین در معنای آیه مشاجراتی طولانی و اقوالی مختلف دارند؛ این اقوال را بدین شرح نقل می‌کنند: در تفسیر این آیه برخی را عقیده بر این است که افراد پلید همان پلیدی‌ها را دوست می‌دارند، آدم زناکار جز به زنی مثل خود میل نمی‌کند، و همچنین زن زناکار جز به مردی مثل خود تمایل ندارد. پس آیه شریفه در مقام بیان اعم اغلب است(طباطبایی، ۱۵/۱۳۷۴، ص۱۱۴-۱۱۵) علامه مغنیه نیز در این دسته بوده و می‌فرمایند: مقصود آیه این است که زنا از بدترین و زشت‌ترین گناهان است و انسان زناکار هرگاه بخواهد ازدواج کند، هیچ‌کس خواسته او را پاسخ نمی‌دهد، مگر آن‌کسی که در فسق و گناه همانند خود او باشد بنابراین، آیه از واقع و یا از یک حکم شرعی خبر نمی‌دهد.(مغنیه، ۵/۱۳۷۸، ص۶۵۱) یکی دیگر از اقوال که در کتاب روح‌المعانی مطرح‌شده این است که مراد از آیه شریفه تقبیح این‌گونه افراد است، و معنایش این است که لایق به حال زناکار این است که جز با زناکار و یا بدتر از او ازدواج نکند و درجمله «وَ حُرِّمَ ذلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» مراد این است که زنا بر مؤمنین حرام شده، (نه ازدواج با زناکار)[1] این دو وجه از منظر علامه طباطبایی ازاین‌رو صحیح نیستند که با سیاق آیه و مخصوصاً با اتصال صدر و ذیل آن به یکدیگر که قبلاً بدان اشاره رفت، سازگار نیستند. علامه در این خصوص می‌فرمایند: اطلاق زانی و زانیه ظهور در کسانی دارد که هنوز به این عمل شنیع خود ادامه می‌دهند، و شمول این اطلاق به کسانی که توبه

[1] فرق بین این دو وجه این است که وجه اول صرفا از تمایلات مرد و زن زناکار خبر می‌دهد که این‌گونه افراد، پلیدند و وجه دومی وجهی است اخلاقی برای اجتناب از زنا.

نصوح کرده‌اند، از دأب و ادب قرآن کریم بعید است. ایشان با تأکید بر روایات وارده از طرق اهل‌بیت (ع) حاصل معنای آیه را این‌چنین بیان می‌کنند: زناکار وقتی زنای او شهرت پیدا کرد، و حد بر او جاری شد، ولی خبری از توبه کردنش نشد، دیگر حرام است که با زن یا مرد پاک و مسلمان ازدواج کند، باید یا با زناکار و یا با مشرک ازدواج کند.[۱] (طباطبایی، ۱۵/۱۳۷۴، ص۱۱۴-۱۱۵) ازاین‌قرار، در حدیثی از امام باقر ع و امام صادق ع می‌خوانیم: این آیه در مورد مردان و زنانی است که در عصر رسول خدا(ص) آلوده زنا بودند، خداوند مسلمانان را از ازدواج با آن‌ها نهی کرد، و هم‌اکنون نیز مردم مشمول این حکم‌اند هر کس مشهور به این عمل شود، و حد الهی به او جاری گردد، با او ازدواج نکنید تا توبه‌اش ثابت شود.(مکارم شیرازی،۱۴/۱۳۷۱، ص۳۶۲-۳۶۳).

۳-۳. حد قذف، مکمل حد زنا برای مقابله با فساد آشکار و حفظ عفت عمومی

نکته قابل‌تأمل در خصوص جرم زنا این است که جرائم حدی که تحت معنای فواحش از آن‌ها یاد می‌شود، در احکام اسلامی دارای دو جنبه هستند: نخست جنبه معنوی و اخروی و در درجه بعدی جنبه عمومی؛ فلسفه اصلی تشریع احکام اسلام، مربوط به عفاف و حجاب پیشگیری از نزدیک شدن به فحشا است و هدف از مجازات جرائم جنسی جلوگیری از شیوع فحشا[۲] و فروپاشی بنیان‌های اخلاقی جامعه است. اسلام با تأکید ویژه بر پاک‌سازی عرصه عمومی از هرگونه فحشا و روابط نامشروع، تمایزی ماهوی میان حوزه خصوصی و عمومی در مواجهه با این پدیده قائل است. در حوزه خصوصی، اصل بر عدم جواز تجسس در امور شخصی افراد است و حتی خود فرد از اظهار و اقرار به گناه در نزد دیگران منع شده است. نقطه تمرکز مقابله قاطعانه اسلام، آنجاست که فساد از محدوده خلوت فردی فراتر رفته و به سطح جامعه تسری یابد و محیط اجتماعی را آلوده سازد. جرائم منافی عفت به‌طورمعمول از دو مسیر اشاعه پیدا می‌کنند یکی اقرار مرتکب و دیگری مشاهده عمومی؛ از این منظر ازجمله راه‌های اثبات زنا برای اجرای مجازات حدی، ۴ بار اقرار مرتکب یا شهادت ۴ شاهد عادل مرد می‌باشد. شرط ارائه چهار شاهد عادل که وقوع زنا را با شرایط دشوار (مشاهده مستقیم و هم‌زمان به نحوی غیرقابل‌انکار) گواهی دهند، در عمل، اثبات این جرم را به مواردی استثنائی و نزدیک به محال محدود می‌کند.

آیه ۴ سوره نور بلافاصله پس از بیان حکم حد زنا، می‌فرماید:«وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانِينَ جَلْدَةً» مراد از رمی، نسبت دادن به زناست و مراد از محصنات در این آیه، زن‌های پاک‌دامن و مردهای عفیف هستند، خواه ازدواج کرده باشند و یا نکرده باشند. براساس این آیه مبارکه، فرد نسبت دهنده درصورتی‌که نتواند چهار گواه برای اثبات مدّعای خود بیاورد، به‌گونه‌ای که هرکدام مبتنی بر مشاهده به ارتکاب جرم گواهی دهند، ۸۰ ضربه تازیانه به‌عنوان حد قذف بر وی اجرا می‌شود. هدف از فراوانی گواهان و سخت‌گیری در کیفیت شهادت، آن است که هیچ‌کس به زنا گواهی ندهد، تا پرده عفت حفظ شود و خانواده دچار ازهم‌گسیختگی و نابودی نگردد. (مغنیه، ۵/۱۳۷۸، ص۶۵۱) این حکم شرعی تنها به مجازات بدنی محدود نمی‌شود، به‌تصریح ادامه آیه «وَلاتَقْبَلُوا لَهُمْ شَهادَةً أَبَداً وَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُون» مجازات دوم این است که شهادتش نیز پذیرفته نخواهد شد. مجازات سوم هم این است که حکم به فسق وی می‌شود. (مغنیه،۱۴۲۵ق، ص۴۵۷) درنتیجه حیثیت اجتماعی او خدشه‌دار شده و عدالتش از بین می‌رود؛ این رویکرد، تأدیب معنوی قاذف در کنار مجازات بدنی تازیانه است.

---

[۱] .این ممنوعیت شرعی، مواردی را نیز شامل می‌شود که در قالب ظاهری «نکاح منقطع»، اما بدون التزام به شرایط و ضوابط منصوص شرعی آن، انجام می‌گردد. براین‌اساس، هرگونه توافق که فاقد رعایت دقیق ارکان و شرایط صحت عقد ازجمله تعیین دقیق مدت و مهریه متناسب باشد و همچنین مواردی که احکام عده، در عمل نادیده انگاشته شود، فاقد مشروعیت بوده و در زمره روابط خارج از ازدواج محسوب می‌گردد. در استفتایی که از برخی مراجع تقلید نیز در این خصوص به‌عمل‌آمده، حضرت آیت‌الله مدرسی قائل بر این امر هستند که چنین عقدی محل اشکال است و حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ تصریح فرمودند که ازدواج با چنین افرادی بنابر احتیاط واجب، حرام است.

[۲] . «مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ» (الأحزاب:۳۰)، «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفاحِشَةُ» (النور:۱۹)، «إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ» (النساء:۱۹)

در نظام حقوقی اسلام، هیچ مجازات زبانی به سخت‌گیری قذف وجود ندارد. اگر فردی ادعا کند: «فلان زن مرتکب زنا شده»، باید حدنصاب شهود عادل را حاضر کند. حتی اگر دو نفر بر وقوع زنا شهادت دهند و بگویند: «دو شاهد دیگر نیز همانند ما شاهد بوده‌اند اما اکنون حاضر نیستند»، هر دو فوراً هشتاد ضربه شلاق دریافت می‌کنند؛ زیرا شهادت آنان تنها زمانی معتبر است که: هر چهار شاهد به‌طور هم‌زمان نزد قاضی حاضر شوند تا بر وقوع این جرم گواهی دهند. اسلام که مجازات شلاق یا رجم را برای زناکار مقرر کرده، همان است که شهادت کمتر از چهار نفر را نمی‌پذیرد. آیا ممکن است عمل زنا آن‌قدر علنی رخ دهد که چهار نفر بتوانند بر آن گواهی دهند؟ جرائمی مانند قتل یا سرقت ممکن است درملأعام اتفاق افتد، اما زنا –به سبب حیایی که خداوند در فطرت هر انسانی نهاده– آشکارا در برابر دیگران واقع نمی‌شود. (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ص۲۶۱–۲۶۲) از این منظر، اسلام با حساسیت خاصی که نسبت به پوشش و رفتارهای اجتماعی نشان می‌دهد و با وضع مجازات‌های مشخص برای ارتکاب اعمال منافی عفت در محیط عمومی و اقرار به آن، درعین‌حال اجازه نمی‌دهد حریم خصوصی افراد مورد تجسس قرار گیرد. درنتیجه، اعمال منافی عفت در حریم خصوصی تا زمانی که به عرصه عمومی وارد نشود، قابل‌اثبات نیست و شهادت شهود کمتر از حدنصاب می‌تواند موجب مجازات آنان به جرم قذف گردد.

۳-٤. پیامدهای ساختارشکنانه روابط خارج از ازدواج بین زن و مرد مجرد

ازجمله آثار رواج روابط جنسی خارج از ازدواج، می‌توان به ایجاد هرج‌ومرج در نظام خانواده و تزلزل روابط خانوادگی اشاره کرد. همچنین تولد فرزندان بی‌هویتی که اغلب تحت پوشش حمایت مسئولانه والدین نیستند، به دلیل عدم تعهد والدین طبیعی، این فرزندان معمولاً از تعهد و محبت والدینی پایدار محروم می‌شوند. باید توجه داشت که هدف از ازدواج تنها مسئله اشباع غریزه نیست، بلکه اشتراک در تشکیل زندگی و انس روحی و آرامش فکری، و تربیت فرزندان و همکاری در همه شئون حیات از آثار ازدواج است که بدون اختصاص زن و مرد به یکدیگر و تحریم روابط خارج از ازدواج، هیچ‌یک از این‌ها امکان‌پذیر نیست (مکارم شیرازی،۱۲/۱۳۷۱، ص۱۰۳–۱۰۴).

مطالعات میدانی و آمارها در کشورهای غربی که این نوع از روابط سالهاست در آن عادی سازی شده است، نشان می‌دهد که عمدتا روابط خارج از چارچوب ازدواج از پایداری و ثبات لازم برخوردار نیستند و روابطی کوتاه‌مدت و ناپایدارند. طبق داده‌های موجود، حدود ۱۰ درصد از زوج‌های مجرد پنج سال یا بیشتر در روابط غیررسمی باهم زندگی می‌کنند*(Scott, 2004:259)* آمارها نشان می‌دهد نرخ همباشی زن و مرد مجرد در سطح جهانی طی دهه‌های اخیر افزایش شدیدی داشته است؛ با وجود اینکه این نرخ در در آسیا نسبتاً بسیار پایین‌تر است در چین میزان هم‌خانگی میان مردان و زنان از حدود ۱,۰ و ۰,۸ درصد در در سال های ۱۹۶۰–۱۹۷۹ به ۴۱,۵ و ۴۶,۴ درصد در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ رسیده است .*(Choi et al., 2021: 912–914)* در کشورهای اروپایی نیز سالهاست که زندگی مشترک بدون ازدواج به‌سرعت در حال رشد است؛ آمار نشان می‌دهد در بریتانیا، در سال ۱۹۹۶، ۱,۵ میلیون زن و مرد مجرد بدون عقد رسمی باهم زندگی می‌کردند. درحالی‌که این آمار در سال ۲۰۲۱، به ۳,۶ میلیون زوج زن و مرد مجرد رسیده که این آمار ۱۴۴% افزایش را نشان می‌دهد *(Gard et al., 2023, p. 3)* داده‌های سال ۲۰۱۴، نیز تأیید می‌کند که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد کودکان اروپایی از والدین مجرد و خارج از چارچوب ازدواج رسمی متولدشده‌اند.(*Hayward, 2020, p.3*) این روند صعودی در سال‌های اخیر همچنان تداوم داشته و امروزه شاهد تشدید این الگو در جوامع غربی هستیم. هم‌زمان با افزایش روابط خارج از ازدواج بین زن و مرد، کاهش نرخ ازدواج‌های رسمی در کشورهای اروپایی چشمگیر است؛ به‌طوری‌که در دانمارک، نرخ ازدواج به ۲۸,۵% و در هلند به ۲۷% کاهش‌یافته است. همچنین افزایش سن متوسط ازدواج در اروپا، بیانگر دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی است که نهاد خانواده را به‌شدت متزلزل نموده است. *(Hayward, 2020, p.1-2)*. این موارد نشان‌دهنده سرعت تغییرات ساختاری و فروپاشی روابط خانوادگی در جوامعی است که روابط خارج از ازدواج سنتی را به رسمیت شناخته‌اند.

افزون بر پیامدهای ساختاری و تزلزل در نظام حقوقی خانواده، شواهد تجربی بر وجود پیامدهای عاطفی و روانیِ عمیقِ ناشی از روابط جنسی غیررسمی – به‌ویژه برای زنان – تأکید دارند. نتایج مطالعات پیمایشی (از جمله مطالعه‌ای با حجم نمونه ۷۰۱ نفر) نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان، پیامدهای عاطفی منفیِ به‌مراتب شدیدتری را پس از این روابط تجربه می‌کنند؛ این پیامدها شامل احساسِ تنهایی، ناخشنودی، طردشدگی، پشیمانی و ادراکِ منفی نسبت به خود است.علاوه بر این، ادراکِ قضاوت‌های منفی از سوی دیگران و مواجهه با پدیده «شرمساری به دلیل هرزگی» *(slut-shaming)* ، نه تنها جایگاه اجتماعی ایشان را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، بلکه آنان را در مسیرِ انزوای اجتماعی و آسیب‌های روانیِ ماندگار قرار می‌دهد که به نوبه خود، امنیت روانی و ثباتِ آینده آن‌ها را در تشکیلِ خانواده پایدار تخریب می‌کند *(McKeen, Anderson, & Mitchell,* ۲۰۲۲, p.۱۳۳۹, ۱۳۵۳) این آسیب‌های روانی، تنها بخشی از هزینهٔ زیست در ساختاری است که از تعهد تهی است؛ از بارزترین آثار زیان‌بار این روابط در ساحتِ حقوقی، می‌توان به فقدان التزام حقوقی و اخلاقی طرفین نسبت به یکدیگر اشاره نمود؛ وضعیتی که به‌وضوح در مقایسه با تکالیف ناشی از پیوند زناشویی مشروع که تحت عنوان «میثاقا غلیظا» در فرهنگ قرآنی از آن یاد می‌شود، قابل‌تمییز است. این بی‌تعهدی، به‌طور مستقیم کاهش تمایل به تشکیل نهاد خانواده را دربر دارد. درواقع ازدواج رسمی و قانونی، مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف خاص را به دنبال دارد که آن را به‌طور قابل‌توجهی از وضعیت زوج‌های مجرد و فاقد عقد رسمی متمایز می‌سازد. این تمایزات حقوقی به‌ویژه در حوزه مسئولیت‌های خانوادگی و تعهدات مشترک، آشکار است و هنگامی‌که در بستر واقعیت‌های اجتماعی موردتوجه قرار گیرند، با شواهد عینی نیز همراه می‌شوند. طبق نظرسنجی‌ها، نزدیک به نیمی از مردم انگلستان و ولز (۴۶%) تصور می‌کنند که زن و مرد مجرد که باهم زندگی می‌کنند، حقوقی مشابه متأهلین دارند، حال‌آنکه چنین چیزی وجود ندارد *(Gard et al., 2023, p. 3)* این تفاوت، تنها یک مشاهدهٔ پراکنده نیست، بلکه یک یافته مستمر و تکرارشونده در ادبیات تحقیق است. هیچ تصوری از مرد به‌عنوان تأمین‌کننده مالی در روابط عاشقانهٔ غیررسمی وجود ندارد. تجربیات میدانی حاکی از آن است که حتی در روابط زناشویی، برخی مردان نقش خود را به‌عنوان نان‌آور یا تأمین‌کننده مالی خانواده ایفا نمی‌کنند؛ بااین‌حال، در روابط عاشقانه یا هم‌باشی، این نقش به‌طورکلی غایب است و در بسیاری از موارد، زنان ناگزیر از حمایت مالی از شریک عاطفی خود می‌شوند.*(Dave et al., 2015: 9)* نظر به اینکه در این روابط زندگی مشترک ساختارمند یا دارایی‌های مشترک وجود ندارد، مبادلات مالی اغلب یک‌سویه و از زن به مرد است. بر اساس داده‌ها، ۵۱.۶ درصد از زنانی که در روابط صمیمی و غیررسمی قرار دارند، تجربهٔ سوءاستفاده مالی را گزارش کرده‌اند. استقلال مالی زنان سبب می‌شود که درخواست پرداخت پول میان طرفین، از مرد به زن، آسان‌تر صورت گیرد.*(Dave et al., 2015: 10)* به‌طورکلی، مطالعات نشان می‌دهد که زنان در روابط عاطفی غیررسمی، در مقایسه با زنان متأهل، بیشتر در معرض بهره‌کشی مالی قرار دارند *(Resource Centre for Interventions on Violence Against Women, 2016: 2).*

عملاً وقتی روابطی به شکل قانونی ثبت نمی‌شود، سبب محرومیت طرفین از حمایت‌ها و تضمین‌های قانونی می‌گردد. لذا ازجمله پیامدهای این ارتباطات چالش‌های حقوقی و اقتصادی قابل‌توجه است. به‌عنوان نمونه، زن و مردی که بدون ازدواج رسمی، زندگی مشترک دارند، از همه حقوقی که افراد متأهل در فرآیند طلاق یا جدایی دارند، بهره‌مند نمی‌شوند. این فقدان حمایت حقوقی، به‌ویژه برطرفِ ضعیف‌تر رابطه (عمدتاً زنان) تأثیرات منفی بیشتری می‌گذارد.(*Gard et al., 2023, p. 3*) حتی در کشورهایی که روابط غیررسمی را در حیطه روابط خانوادگی شناسایی می‌کنند، این نوع از روابط پیامدهای حقوقی بسیار محدودی دارد و می‌تواند منجر به معضلات حقوقی و اقتصادی ناگواری گردد. در مقابل، ازدواج به‌عنوان یک‌نهاد رسمی و قانونی، در همه نظام‌های حقوقی دارای مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌های گسترده و مشخص است که این امر می‌تواند به حفظ استحکام خانواده و تضمین حقوق افراد در مواقع اختلاف کمک کند.

شکل‌گیری روابط غیرمتعهدانه، علاوه بر چالش‌های عاطفی ناشی از روابط متزلزل، خلأهای جدی در حوزه‌های حقوقی پدید آورده که عملاً این افراد و کودکان حاصل از این روابط را در معرض مخاطرات جدی قرار می‌دهد.[۱] به‌عنوان نمونه، دکتر کالوو[۲] در پژوهشی تجربی تأکید می‌کند که روابط خارج از ازدواج رسمی، در مقایسه با ازدواج قانونی، به‌طور ساختاری از ثبات و امنیت کمتری برخوردار است و همین امر پیامدهای عمیق اقتصادی و عاطفی برای زنان و کودکان به همراه دارد. در چنین روابطی، احتمال جدایی زوجین به‌مراتب بالاتر است. از سوی دیگر، آمارهای مربوط به روابط همباشی نشان می‌دهد ۴۵ درصد از والدینی که در زمان تولد کودک در همباشی بوده‌اند، تا پنجمین سالگرد تولد کودک جدا شده‌اند، نرخ جدایی بالاتر در میان مادران همباش، باعث می‌شود کودکان آن‌ها با احتمال بیشتری تنها با یک والد بزرگ شوند که پیامد آن، افزایش ریسک فقر، ناامنی روانی و اختلال در فرایند تربیتی کودکان است. *(Calvo, 2025: 1,10-12,33)*

یکی از یافته‌های ثابت و تکرارشونده در این حوزه، گزارش «نرخ به مراتب بالاتر خشونت خانگی» در میان زن ومرد هم‌باش می‌باشد. به طوری که زنان در روابط هم‌باشی در مقایسه با پیوندهای مبتنی بر نکاح قانونی، به‌طور معناداری در معرض ریسک فزاینده خشونت‌های فیزیکی و حتی جرائم علیه تمامیت جسمانی (قتل) از سوی شریک جنسی خود قرار دارند *(Shackelford & Mouzos, 2005:1311; Cid & Leguisamo, 2023: 38).* سطح خشونت خانگی در بین جوانان هم‌خانه که تعهد کمتری دارند، نسبت به متأهلین بیشتر است در تبیین این شکاف، ادبیات پژوهشی بر عنصر «تعهد» به عنوان متغیر کلیدی تأکید می‌ورزد؛ به‌طوری‌که تقلیل سطح التزام در میان جوانانی که بدون علقه زوجیت رسمی اقدام به هم‌خانگی می‌کنند، بستری چالش‌زا فراهم آورده که در آن، میزان رفتارهای قهرآمیز نسبت به زوج‌های متأهل، به مراتب بالاتر ارزیابی می‌گردد. *(Manning, Longmore, Giordano, 2018:1049-1050)*

با وجود آنکه هم‌باشی در نگاه نخست می‌تواند به‌مثابه نوعی پیوند عاطفی و زیستیِ کم‌تعهدتر تلقی شود که برخلاف ازدواج رسمی، با موانع ذاتی در برابر جدایی همراه نیست، ممکن است چنین تصور شود که همین ویژگی موجب کاهش خشونت در این روابط می‌شود. با این حال، شواهد تجربی خلاف این را نشان داده‌اند؛ به گونه‌ای که خشونت فیزیکی در روابط هم‌باشی، دست‌کم دو برابر بیش از روابط مبتنی بر ازدواج رسمی شیوع دارد.[۳] *(Wong, Janet Y.et al,2016:2)*

این تفاوت ابعاد دیگری هم دارد؛ در بسیاری از موارد زنان در روابط هم‌باشی از حمایت خانواده برای حضور در چنین پیوندی برخوردار نیستند و به همین دلیل، هنگام مواجهه با خشونت شریک عاطفی، پشتوانه اجتماعی و حمایت‌های نهادی لازم را هم از دست می‌دهند. همچنین پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که زنان در روابط غیررسمی قدرت تصمیم‌گیری کمتری دارند و این عامل، آنان را در برابر خشونت شریک زندگی آسیب‌پذیرتر می‌سازد.*(Okedare & Fawole, 2024: 6)* درعین‌حال، خشونت در روابط میان زن و مرد مجردی که در قالب هم‌باشی با یکدیگر زندگی می‌کنند، به‌ندرت موردتوجه افکار عمومی قرار می‌گیرد. ماهیت غیر سنتی و غیررسمی هم‌خانگی، اغلب سبب می‌شود که موارد خشونت کمتر گزارش شوند.*(Choi et al., 2021: 912)*

بااین‌حال، آمارهای منعکس‌شده در پژوهش‌های موجود، از واقعیتی نگران‌کننده حکایت دارد. برای نمونه، بر اساس یافته‌های موجود، ۸۵,۳ درصد از زنانی که بدون ازدواج صرفاً هم‌خانه شریک زندگی خود بوده و رابطه‌ی خود را رسمی نکردند، خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. در مقابل، نتایج پژوهش‌ها به‌طور مکرر بر این نکته دلالت دارد که زنانی که ازدواج مذهبی یا سنتی داشته‌اند، کمترین میزان خشونت را گزارش کرده‌اند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که ساختارهای رسمی و ارزشی ازدواج، نقش

---

[۱] . بیانات رهبر شهید و حکیم انقلاب:«امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی‌هویت است. این‌ها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی به‌مرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پرزرق‌وبرق از همین نقطه فرو خواهد ریخت».۱۳۹۱/٤/۲۱

[۲] . استادیار دانشگاه آریزونای آمریکا (اقتصاد خانواده)

[۳] . در برخی از منابع این آمار تا ۹ برابر تخمین زده‌شده است.(Shackelford, ۲۰۰۱:۲۸٤-۲۸۵)

حمایتی چشمگیری در کاهش خشونت دارند.*(Sulaiman, 2024: 9–10)* این الگو در داده‌های ملی کشورهای مختلف نیز به‌وضوح قابل‌ردیابی است. داده‌های ملی کانادا حاکی از آن است که زنان هم‌باش ۹ برابر بیش از زنان متأهل در معرض خطر قتل به دست شریک خود قرار دارند. در استرالیا، نرخ قتل زنان متأهل به‌دست شریک زندگی، ۴/۷ مورد در هر یک‌میلیون زن متأهل در سال است؛ درحالی‌که این نرخ برای زنان هم‌باش به ۴۴/۹ مورد در هر یک‌میلیون زن می‌رسد. این الگو نشان‌دهندهٔ تفاوت چشمگیر در میزان خشونت کشنده میان روابط غیررسمی و زناشویی رسمی است *(Shackelford & Mouzos,* ۲۰۰۵: ۱۳۱۵—۱۳۱۶). شایان ذکر است که بر اساس همین پژوهش، احتمال قتل شریک صمیمی در روابط هم‌باشی در استرالیا ۹/۵ برابر و در ایالات متحده ۸/۹ برابر بیشتر از روابط زناشویی گزارش شده است *(Shackelford & Mouzos, 2005:* ۱۳۲۰). در کنار این پیامدها، از آثار زیانبار این روابط بر سلامت عمومی نیز نباید غفلت کرد. مخاطراتِ مضاعفِ ناشی از باروری و ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، ریسک‌های بالقوه‌ای هستند که زنان را در این روابط به‌نحو نامتوازنی تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. به دلیل مؤلفه‌های اقتصادی، زیستی و اجتماعی، زنان نه تنها مستعدتر به ابتلا به بیماری‌هایی نظیر ویروس نقص ایمنی انسانی*(HIV)* ، کلامیدیا، سیفلیس و ویروس هرپس سیمپلکس نوع هستند، بلکه آسیب‌پذیری جسمانیِ عمیق‌تری را نیز در مواجهه با این عفونت‌ها تجربه می‌کنند *(McKeen, Anderson, & Mitchell, 2022, p.1341)* همان‌طور که ملاحظه شد، پذیرش روابط خارج از ازدواج بین زن و مرد مجرد، علاوه بر اینکه روند فروپاشی خانواده را تسریع نموده، باعث ظهور چالش‌هایی جدی در خصوص وضعیت حقوقی زنان، کودکان، و ساختار اجتماعی خانواده می‌شود.

٤. نتیجه‌گیری:

تحولات حقوقی معاصر در جوامع غربی، متأثر از مبانی لیبرالیسم جنسیتی، مفهوم خانواده را به حاشیه رانده و مصادیق جایگزینی چون همباشی زن و مردخارج از چارچوب ازدواج رسمی و قانونی، را ذیل عنوان «زندگی خانوادگی» به رسمیت می‌شناسد. این رویکرد نه‌تنها از منظر آموزه‌های اسلامی فاقد مشروعیت است، بلکه از حیث نظری با چالش‌های جدی در تبیین مسئولیت‌های حقوقی، صیانت از حقوق کودکان و تنظیم نهاد خانواده روبرو است.

در این راستا، تحولات حقوقی در غرب با تأکید افراطی بر«آزادی مطلق گرایش‌های جنسی» و به حاشیه راندن قداست نهاد خانواده، مصادیقی نوظهور را ارائه کرده است. این روند به‌تدریج در عرصه حقوق بین‌الملل بشر نیز نفوذ یافت. به‌عنوان نمونه، دیوان اروپایی حقوق بشر، با استناد به دکترین کنوانسیون به‌مثابه سندی زنده، تفاسیر موسعی از روابط خانوادگی ارائه نموده که به تهی‌سازی و تغییر مصادیقِ مفاهیمی چون «خانواده» و «ازدواج» از محتوای حقوقی اصیل خود شده است. درنتیجه در نظام حقوق بشر مبتنی بر تفکر سکولار، انحطاط عملی در جهت فروپاشی نهاد سنتی خانواده از به رسمیت‌شناسی روابط خارج از چارچوب خانواده بین زن و مرد (هم‌باشی) تا قانونی‌سازی ازدواج برای همجنس‌گرایان، پیش رفته و پیامدهای این استحاله در جوامع غربی، سستی پیوندهای خانوادگی، افزایش آسیب‌پذیری حقوقی زنان و کودکان، و تضعیف شبکه‌های حمایتی خویشاوندی را به دنبال داشته است.

شواهد تجربی و آمارهای جهانی این روند را تأیید می‌کنند؛ در دهه‌های اخیر نرخ هم‌باشی صعود چشمگیری داشته و بخش قابل‌توجهی از کودکان از والدین مجرد متولد شده‌اند؛ الگویی که با کاهش نرخ ازدواج و افزایش میانگین سنی آن هم‌زمان شده است. افراد در این روابط از ناپایداری ساختاری، فقدان حمایت مالی متقابل، شیوع بالای خشونت خانگی (به‌ویژه علیه زنان) و آسیب‌پذیری کودکان رنج می‌برند؛ پیامدهایی که بهره‌کشی مالی، ناامنی روانی و خلأ حمایت‌های قانونی را تشدید می‌کند.

در نظام حقوقی اسلام که مبتنی بر منابع فطری، عقلانی و وحیانی است، خانواده منحصراً در چارچوب نکاح شرعی بین زن و مرد تعریف می‌شود. قرآن کریم ازدواج را «آیتی الهی» و منشأ «سکینه، مودت و رحمت» معرفی نموده است. بر این اساس، فقه اسلامی هرگونه رابطه جنسی خارج از چهارچوب نکاح را نه‌تنها فاقد اعتبار حقوقی، بلکه مستوجب مجازات می‌داند؛ تبیینِ ابتنای

این رویکرد بر این اصل استوار است که چنین روابطی تهدیدی علیه نظم عمومی و اخلاق عمومیِ جامعه اسلامی و بالندگی نسل‌های آتی محسوب می‌گردد. شریعت اسلام با رویکردی پیشگیرانه، سازوکارهایی چون الزام به حفظ عفت در سه ساحت نگاه، گفتار و پوشش؛ جرم‌انگاری شدید زنا در صورت بعد عمومی؛ و تأکید بر ازدواج بدون تأخیر غیرموجه را برای صیانت از حریم خانواده تدارک دیده است، تا با ممانعت از زمینه‌های فحشا، روابط سالم اجتماعی شکل گیرد و بنیان خانواده تقویت شود. آموزه‌های قرآنی و فقهی نشان می‌دهند که مفاهیمی چون خانواده و حرمت روابط نامشروع، ریشه در فطرت و مصالح ثابت اجتماعی دارند؛ ازاین‌رو، بازگشت به الگوی قرآنی خانواده، ضرورتی راهبردی برای مقابله با بحران‌های هویتی، ناامنی‌های روانی و فروپاشی اجتماعی است.

از این منظر سیاست کیفری اسلام، خود بر رویکردی دووجهی استوار است که از یک‌سو، زنا را به‌عنوان گناهی کبیره که تبعات و آثار سوء دنیوی و اخروی فراوانی را برای مرتکبین به همراه دارد، معرفی می کند و از سوی دیگر، آن را جرمی اجتماعی می‌داند که با جریحه‌دار کردن عفت عمومی، نظم و سلامت جامعه را تهدید می‌نماید. احکام اسلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم با وضع مجازات تحکم‌آمیز برای موارد ارتکاب علنی «فحشا»، متکفل وجه عمومی و اجتماعی جرم است. در مقابل، ارتکاب اعمال منافی عفت در خلوت و فضای کاملاً خصوصی، اگرچه به لحاظ شرعی گناهی بزرگ محسوب شده و مستوجب عقوبت‌های شاقّ اخروی است، لکن مادامی‌که با حدنصاب قانونی ادله اثبات (اقرار یا شهادت) به عرصه اجتماع سرایت نکند، قابل‌اثبات و پیگرد قانونی در جامعه اسلامی نیست. این تمایز بنیادین، نشان‌دهنده عمق تدبیر اسلامی در تفکیک دقیق قلمرو «خصوصی» (فرد و خالق) از «عمومی» (فرد و جامعه) است. نکته حائز اهمیت اینکه، مجازات سنگین قذف (در دو ساحت مجازات بدنی و محرومیت اجتماعی) سخت‌ترین مجازات زبانی در اسلام است. این سیاست کیفری، با سخت‌گیری در اثبات زنا و مجازات شدید قذف، به‌طور هم‌زمان در دو جبهه برای صیانت از کانون خانواده تلاش می‌کند. هدف غایی این سیاست، نه مداخله حاکمیت در خلوت افراد، بلکه ایجاد جامعه‌ای سالم، حفظ عفت عمومی و مصون‌سازی نهاد خانواده از پیامدهای شیوع چنین جرایمی در عرصه عمومی است؛ چراکه جرائم مبتنی بر فحشا وقتی به مرحله «ظهرالفساد» می‌رسند، مانند بیماری همه‌گیر فضای جامعه را تغییر می‌دهد. در همین راستا، سیاست کیفری اسلام با تلفیق مجازات و الزامات پیشگیرانه‌ای چون رعایت شئون عفاف، مترصد ایجاد محیطی امن برای تحکیم بنیان خانواده است. در خاتمه، ارائه راهکارها و مساعدت‌های حاکمیتی جهت تسهیل و تسریع ازدواج جوانان، عنایت ویژه بر حفظ عفت عمومی و محافظت از اشاعه فحشا، حفظ کرامت و ارزشمندی زنان در نهاد خانواده، تقویت و بازیابی حقوق مشروعه زنان در نهاد ازدواج، ازجمله پیشنهادهایی است که جهت حفظ ارزشمندی نهاد بنیادین خانواده در سطح جامعه باید موردتوجه حاکمیت اسلامی باشد.

منابع

احمدی‌نژاد, مریم و ابراهیمی ورکیانی, فاطمه. (۱۴۰۲). مصادیق «خانواده» در رویهٔ دیوان اروپایی حقوق بشر با ارائهٔ تحلیل اسلامی. مطالعات حقوق تطبیقی, ۱۴(۱), ۵۵-۸۴. *doi: 10.22059/jcl.2022.330840.634250*

احمدی‌نژاد، مریم، امین‌الرعایا، یاسر(۱۳۹۹). «حق زنان به شناسایی برابر با مردان؛ از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر و اسلام»، مطالعات حقوق تطبیقی،۱۱(۲).

طباطبایی، محمدحسین(۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان، (ج.۴، ۱۵). قم:جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۵.

قرائتی، محسن(۱۳۸۸). تفسیر نور، (ج.۶). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ۱.

قرشی بنابی، علی‌اکبر(۱۳۷۵). تفسیر احسن‌الحدیث(ج. ۷). تهران: بنیاد بعثت.

قرشی بنابی، علی‌اکبر(۱۳۷۱). قاموس قرآن، (ج.۳). تهران:دارالکتب الإسلامیهٔ، چاپ۶.

مغنیه، محمدجواد(۱۳۷۸). ترجمه تفسیر کاشف(ج.۵). قم:بوستان کتاب قم، چاپ: ۱.مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۱). تفسیر نمونه، (ج۱۲، ۱۴، ۱۵). تهران:دارالکتب الإسلامیهٔ، چاپ ۱۰.

المصادر العربیه:

طبرسی، فضل بن حسن(۱۴۱۳ ه.ق). مختصر مجمع البیان (ج. ۲). جماعۀ المدرسین فی الحوزۀ العلمیۀ بقم:مؤسسۀ النشر الإسلامی، چاپ۲.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی(۱۴۱۸ ه.ق). الأصفی فی تفسیر القرآن، ۲(ج.۱). قم:مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی،چاپ۱.

قطب، سید(۱۴۲۵ ه.ق). فی ظلال القرآن(ج. ۱). لبنان(بیروت): دارالشروق، چاپ۳۵.

مدرسی، محمدتقی(۱۴۱۹ ه.ق). من هدی القرآن(ج. ۸). تهران:دارمحبی الحسین، چاپ۱.

مغنیه، محمدجواد(۱۴۲۵ ه.ق). التفسیرالمبین، قم:دارالکتاب الإسلامی، چاپ:۳.

References

۱. Choi, Anna W. M., Chan, Pik Ying, Abdullah, Alhassan, To, Peter T. Y., & Lo, Barbara C. Y. (۲۰۲۱). Social movements and politics of violence in cohabiting non-marital families. In Todd K. Shackelford (Ed.), The SAGE handbook of domestic violence (pp. ۹۱۲–۹۳٤). Sage Publications. https://doi.org/۱۰,٤۱۳٥/۹۷۸۱٥۲۹۷٤۲۳٤۳.n٥٥

۲. Cid, Alejandro, Leguisamo, Mariana,(۲۰۲۳) Marriage as a Protective Factor Against Intimate Partner Violence Suffered by Women. Exploring Mechanisms. Hispanic Health Care International. ۲۱(۱):۳۸-٤۹. doi:۱۰,۱۱۷۷/۱٥٤۰٤۱٥۳۲۲۱۱۳۷۳٤۳

۳. Dave, A., Pradhan, Y., & Sriraman, T. (۲۰۱٥). Changing forms of violence: Struggles in non-marital intimate relationships - A study of the experiences of intervention at the Special Cells in Mumbai. Resource Centre for Interventions on Violence Against Women, Tata Institute of Social Sciences, Mumbai.

٤. Gard, Jane, Lucy Clark, Beth Mason, Malial Sptriani, and Rebecca Diddeni (۲۰۲۳). *International family law report: The cohabitation conundrum.* Penningtons Manches Cooper LLP. https://www.penningtonslaw.com

٥.

٦. Hayward, Andy. (۲۰۲۰). [Review of the book Principles of European Family Law Regarding Property, Maintenance and Succession Rights of Couples in de facto Unions]. International Journal of Law, Policy and The Family, ۰۰, ۱–٦. https://doi.org/۱۰,۱۰۹۳/lawfam/ebaa۰۱٤

۷. McKeen, Billie, Anderson, Ryan, & Mitchell, David. (۲۰۲۲). Was it good for you? Gender differences in motives and emotional outcomes following casual sex. Sexuality & Culture, ۲٦(٤), ۱۳۳۹–۱۳٥۹. https://doi.org/۱۰,۱۰۰۷/s۱۲۱۱۹-۰۲۲-۰۹۹٤٦-w

۸. Okedare, Omowumi O, Fawole, Olufunmilayo I.(۲۰۲٤). Perceived social support and the experience of intimate partner violence among married and cohabiting young women in urban slums, Ibadan, Nigeria: a descriptive study. *BMJ Public Health,* https://doi.org/۱۰,۱۱۳٦/bmjph-۲۰۲۳-۰۰۰٤۲٥

۹. Resource Centre for Interventions on Violence Against Women. (۲۰۱٦, January). *Changing forms of violence: Violence within non-cohabiting, non-marital relationships* [Research brief]. Special Cell for Women and Children, Mumbai.

۱۰. Scott, Elizabeth S. (۲۰۰٤). *Marriage, Cohabitation, and Collective Responsibility for Dependency* . University of Chicago Legal Forum, ۲۲٥–۲٦۰.

۱۱. Shackelford, Todd K., Mouzos, Jenny (۲۰۰٥). Partner Killing by Men in Cohabiting and Marital Relationships: A Comparative, Cross-National Analysis of Data From Australia and the United States. Journal of Interpersonal Violence, ۲۰(۱۰), ۱۳۱۰–۱۳۲٤.

۱۲. Sulaiman, Lanre Abdul-Rasheed (۲۰۲٤). Form of Marriage as a Predictor of Intimate Partner Violence among Married Women in North-Central, Nigeria. SAGE Open, ۱٤ (۱), ۱–۱٥.https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۲۱٥۸۲٤٤۰۲٤۱۳۰٥٦٤۸

۱۳. Wong, Janet Y., Choi, A. W., Fong, D. Y., Choi, E. P., Wong, J. K., So, F. L., Lau, C. L., & Kam, C. W. (۲۰۱٦). A comparison of intimate partner violence and associated physical

injuries between cohabitating and married women: a ٥-year medical chart review. BMC public health, ١٦(١), ١٢٠٧. https://doi.org/١٠,١١٨٦/s١٢٨٨٩-٠١٦-٣٨٧٩-y

International Documents and Cases:

١٤. Affaire Chavdarov c. Bulgarie. (٢٠١٠) Applications no. ٣٤٦٥/٠٣. ECHR.
١٥. Beizaras and Levickas v. Lithuania(٢٠٢٠). Application no. ٤١٢٨٨/١٥. ECHR.
١٦. Committee on the Elimination of Discrimination against Women. (٢٠٢٣).*Concluding observations on the combined initial and second to fifth reports of Sao Tome and Principe*.(CEDAW/C/STP/CO/١-٥).
١٧. Committee on the Elimination of Discrimination against Women. (٢٠١٣). General recommendation No. ٢٩ on article ١٦ of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (Economic consequences of marriage, family relations and their dissolution) (CEDAW/C/GC/٢٩).
١٨. Dániel Karsai v. Hungary. (٢٠٢٣). Application no. ٣٢٣١٢/٢٣, ECHR.
١٩. *Fedotova and Others v. Russia* (٢٠٢٣, January ١٧). Applications nos. ٤٠٧٩٢/١٠, ٣٠٥٣٨/١٤ and ٤٣٤٣٩/١٤), ECHR.
٢٠. Fedotova and Others v. Russia.(٢٠٢٣). Applications nos. ٤٠٧٩٢/١٠, ٣٠٥٣٨/١٤ and ٤٣٤٣٩/١٤. ECHR.
٢١. Marckx v. Belgium(١٩٧٩). Applications no. ٦٨٣٣/٧٤. ECHR.
٢٢. Novruk and Others v. Russia. (٢٠١٦). Applications nos. ٣١٠٣٩/١١, ٤٨٥١١/١١, ٧٦٨١٠/١٢, ١٤٦١٨/١٣ and ١٣٨١٧/١٤. ECHR.
٢٣. Şerife Yiğit v. Turkey.(٢٠٠٩). Application no. ٣٩٧٦/٠٥. ECHR.
٢٤. Ukraine v. Russia (re Crimea), (٢٠٢٤). Applications nos. ٢٠٩٥٨/١٤ and ٣٨٣٣٤/١٨. ECHR.
٢٥. UN Human Rights Committee(HRC)(٢٧ July ١٩٩٠). General Comment No. ١٩: Article ٢٣ (The Family) Protection of the Family, the Right to Marriage and Equality of the Spouses.